## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc426020110)

[خطبه اول 1](#_Toc426020111)

[ابعاد و زوایای شخصیت امام علی (ع) 2](#_Toc426020112)

[مقام‌های امام علی (ع) 3](#_Toc426020113)

[تعبیرهای مختلف روایات در مقام امام علی (ع) 3](#_Toc426020114)

[تکالیف اصولی مسلمانان در برابر امام علی (ع) 6](#_Toc426020115)

[ذکر مصیبت امام علی (ع) 6](#_Toc426020116)

[خطبه دوم 7](#_Toc426020117)

[سوگواری علی (ع) اساس سوگواری اهل بیت 8](#_Toc426020118)

[توصیه‌ای پیرامون دهه آخر ماه رمضان 8](#_Toc426020119)

[حفظ و تقویت پایه‌های ایمانی جوانان 9](#_Toc426020120)

[احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر 9](#_Toc426020121)

[توجه به نیازمندان و به‌خصوص یتیمان 10](#_Toc426020122)

[گسترش فرهنگ سرمایه‌گذاری 10](#_Toc426020123)

## خطبه اول

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم الحمد لله رب العالمین بارء الخلائق أجمعین ثمّ الصّلاة و السّلام** **علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبی القاسم محمّد (ص)،** **و علی آله الأطیبین الأطهرین سیّما بقیّة الله فی الأرضین أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ****[[1]](#footnote-1) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه** **و ملازمة أمره و مجانبة نهیه** **و تجهّزوا عباد الله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزّاد التقوی.**

## ابعاد و زوایای شخصیت امام علی (ع)

در شأن امیرالمؤمنین علی (ع) اگر کسی بخواهد به قرآن کریم و روایات و تاریخ مراجعه کند از این‌همه فضیلتی که برای یک فرد برشمرده شده است قطعاً شگفت‌زده خواهد شد.

1. در قرآن کریم آن‌طور که در نقل‌ها آمده است بیش از هفتاد آیه مستقیم و حتی تا سیصد آیه در شأن امام علی (ع) نازل‌شده است و بنا بر بعضی از نقل‌ها گفته‌شده است که یک‌چهارم قرآن در باب امام علی (ع) نازل‌شده است و اگر انسان بخواهد ارتباط آیات قرآن با امیرالمؤمنین را حساب کند از یک‌چهارم قرآن هم عبور می‌کند و در حقیقت همه آن آیاتی که به توصیف مؤمنان و انسان‌های شایسته و وقایع فراوان دیگری که اشاره‌شده است مستقیم یا غیرمستقیم با امام علی (ع) ارتباط دارد.

2. بسیاری از این‌ها فقط چیزی نیست که شیعیان در کتاب‌هایشان مورداشاره قرار داده باشند بلکه به بسیاری از آن‌ها در کتب روایی و تاریخی اهل سنّت اشاره‌شده است.

3. امام علی (ع) و اهل‌بیت پیامبر در قرآن و وحی الهی یک جایگاه ممتاز و بسیار درخشانی دارند، همچنین وقتی به گفته‌ها و اقوال پیامبر گرامی اسلام (ص) مراجعه شود بازدیده می‌شود که در کلام و سخن ایشان بی‌اندازه امام علی (ع) مطرح است و هزاران نقل از پیامبر در شأن امام علی (ع) نازل‌شده است.

4. در سخنان و کلمات دیگران چه ائمه طاهرین و چه اصحاب رسول خدا و چه دوستان امیرالمؤمنین (ع) و حتی دشمنان آن حضرت باز هزارها سخن و کلام در شأن امام علی (ع) دیده می‌شود.

5. در تاریخ نقل‌شده است که امام علی (ع) در غالب حوادث و وقایعی که در آن‌ها مشارکت داشت کاملاً ممتاز بود و گوشه‌ای از کتاب‌های تاریخی به همین مسئله اشاره دارد، حتی در کتاب‌های روایی و تاریخی اهل سنّت و در کتاب‌هایی که نویسندگانش میانه خوبی با امام علی (ع) نداشتند باز دیده می‌شود شأن امام علی (ع) در آن‌ها تااندازه‌ای رعایت شده است.

می‌توان با قاطعیت گفت که این حجم فضیلت‌ها و موقعیت‌های ممتاز چه در میان شیعه و چه در متون اهل سنّت برای احدی جزء امام علی (ع) ذکر نشده است، علیرغم اینکه این‌همه دشمنی و ممانعت وجود داشت تا امام علی (ع) مطرح نشود و همه دست‌به‌دست هم داده بودند تا نام و یاد ایشان مخفی بماند اما باز دیده می‌شود که این‌همه روایت و حدیث و سنّت ناظر بر امام علی (ع) است.

علیرغم اینکه آن‌همه دشمنی‌ها و توطئه‌ها علیه خاندان پیامبر بکار گرفته شد همین الآن می‌توان به کتاب‌های تاریخی و روایی اهل سنت مراجعه کرد و دید که چه اندازه در مورد امیرالمؤمنین (ع) روایت و حدیث آمده است.

## مقام‌های امام علی (ع)

علی ابن ابیطالب از یک نگاه کلی دارای دو مقام است: یک مقام باطنی و معنوی، و یکی هم مقام ظاهری و خلافتی که رسول خدا (ص) به او سپرد. این دو مقام در کلمات و سخنان رسول گرامی اسلام (ص) از آغاز بعثت مطرح بود و پیامبر خدا در یک فرآیند و روند تکاملی از ابتدای اعلام رسالت خودشان تلاش می‌کردند هر دو مقام را برای جامعه تبیین و ترسیم بکنند و مردم را به شناخت این مقامات فرابخوانند، این برنامه رسول خدا بود که در ذهن مردم همه این مقام‌ها نقش ببندد و مردم به آن معرفت و گرایش پیدا بکنند.

در روایات مختلفی که از شیعه و سنی نقل‌شده است تعابیر مختلفی وجود دارد که بیشتر آن‌ها اشاره به مقامات و مرتبه واقعی و باطنی مولا دارد یعنی علم مولا، قرب مولا در مقام ارتباط با حضرت حق و اینکه صاحب ایمان بی‌نظیر بود و مقام علم غیب داشت و عصمت داشت، این‌ها مقام‌های باطنی است که در بعضی از روایات مقام معنوی بیشتر مطرح است و در بعضی دیگر مقام ظاهری و خلافت جامعه بیشتر مطرح است.

## تعبیرهای مختلف روایات در مقام امام علی (ع)

1. تعبیر وصایت

در روایات متعددی آمده است که «**لکلّ نبیّ وصی و هو خیرٌ الأوصیاء**[[2]](#footnote-2)» این قاعده را بیان کردند که همه انبیاء بزرگ الهی صاحب وصی بودند و تو وصیّ من و بهترین اوصیاء هستی، این تعبیری است که شاید در ده‌ها روایت در منابع اهل سنّت قریب به این مضمون آمده است. بخش عمده این وصایت به مقامات باطنی برمی‌گردد، یعنی اینکه امیرالمؤمنین حامل اصرار نبوت است و در روایات هم آمده است.

2. تعبیر وراثت

خود امیرالمؤمنین فرمودند: «**سَلونِی عَن أسرارِ الغیوب فإنِّی وارثُ عُلوم الأنبیاء**[[3]](#footnote-3)»، مرا از اسرار غیب خداوند و از اسرار علم حق سؤال کنید چون من وارث علم همه انبیاء هستم، همه اسرار و علوم گذشته سرّ انبیاء در سینه امیرالمؤمنین جمع شده بود، به‌عبارت‌دیگر پیامبر اسلام جامع همه علوم انبیاء پیشین بود و همه این میراث را به امیرالمؤمنین (ع) سپرد، پس امیرالمؤمنین وصیّ پیامبر و وارث پیامبر است و پشتوانه هرکدام از این تعبیرها صدها حدیث و روایت از کتاب‌های اهل سنّت است که یک قسمت عمده آن به مقامات باطنی امیرالمؤمنین برمی‌گردد.

3. تعبیر خلافت

وصایت و ارث بیشتر روی بعد باطنی و علم و ایمان و مراتب معنوی برجسته است اما تعبیر خلافت بیشتر ناظر به بعد ظاهری شخصیت امام علی (ع) است. ابن عباس طبق شنیده‌هایی از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند: مردم بدانید که فتنه‌ها بعد از رسول خدا برپا خواهد شد، دو میزان و ملاک برای رهایی از این فتنه‌ها بر شما باد، یکی کتاب خدا و دیگری علی (ع).

کتاب خدا به‌تنهایی نمی‌تواند شمارا از این فتنه‌ها و آشوب‌ها نجات بدهد برای اینکه این کتاب یک مفسّر، ملاک و شاخصی می‌خواهد که او علی است. بعد می‌گوید: «**فَإِنی سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ یَقُولُ علیٌ خلیفتی[[4]](#footnote-4)**، من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: علی خلیفه من است.»، اگر می‌خواهید گمراه نشوید و از فتنه‌ها جان سالم به در ببرید دنبال علی حرکت بکنید.

امّ سلمه از زنان ممتاز رسول خدا بودند، قبل از اینکه طلحه و زبیر علیه امیرالمؤمنین جنگ برپا کنند ایشان با عایشه گفتگویی دارند، عبدالله ابن زبیر پسر زبیر پشت در ایستاده بود و دید که امّ سلمه با عایشه محاجّه می‌کند و درباره علی برای عایشه سخن می‌گوید. عبدالله ابن زبیر در زد و گفت: «چه می‌کنی؟ تو ذهن عایشه را خراب می‌کنی.» چون زبیر و طلحه طوری ذهن عایشه را خراب کرده بودند که او را با خودشان به جنگ ببرند.

امّ سلمه گفت که من به او می‌گویم: «پیامبر گفت او خلیفه من است و این مقامات را دارد.» عبدالله ابن زبیر انکار کرد و گفت این‌طور نیست و بیا از خود عایشه سؤال کن. در همان‌جا امّ سلمه به عایشه می‌گوید: «آیا پیامبر نگفت علی خلیفه من و وصیّ و وارث من است؟» عایشه گفت: «بله، گفته است.» عبدالله ابن زبیر سکوت کرد و دید همین عایشه‌ای که بنا است پرچم‌دار جنگ آن‌ها باشد این‌طور می‌گوید. البته عایشه این کار را هم کرد.

متأسفانه عایشه در پرچم‌داری علیه امیرالمؤمنین بسیار بد امتحان داد. از روات مهم در مناقب علی ابن ابیطالب شخص عایشه است، صدها حدیث در منابع سنّی و شیعه نقل‌شده است که عایشه از رسول خدا نقل می‌کند که درباره امام علی (ع) این را گفت و آن را گفت، اما همین شخص آمد و بر ضد امیرالمؤمنین در جنگ اقدام کرد. این چیزی جزء هواهای نفسانی و شیطان درون نبود که او را علیرغم علم و آگاهی به خط مبارزه با علی ابن ابیطالب کشاند.

این بدترین ضلالت و گمراهی است که بااین‌همه علم و آگاهی و اخبار و احادیثی که با گوش خودش شنیده بود و بعد هم هیچ‌گاه این را انکار نمی‌کرد، در همین قصه قبل از جنگ خودش دارد شهادت می‌دهد که من با گوش خودم شنیدم که پیامبر می‌فرمود او خلیفه من است.

4. تعبیر امیرالمؤمنین

بعد و خلافت ظاهری در این واژه خیلی قوی است، وقتی می‌گوید امیر شما است یعنی فرمانده شما است و زعامت و هدایت جامعه به دست او است. همان‌طور که «**مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ[[5]](#footnote-5)»** به صورت متواتر نقل شده است در بعضی نقل‌ها «**مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ أمیره**» آمده است و در کتاب‌های اهل سنّت هم آمده است. امارت یعنی حکومت ظاهری، یعنی فرماندهی لشکر و فرماندهی جامعه و در مسند زعامت جامعه بودن است.

5. تعبیر ولایت

ولایت هم بعد باطنی و هم بعد ظاهری و خلافت را می‌گیرد که در قضیه غدیر خم با آن ترتیبات و مقدمات روی تعبیر مولا تأکید شده است.

همه این تعابیری که نقل شد مستند به کتاب‌های اهل سنّت است و در روایات واردشده است و بعضی از آن‌ها هم‌ریشه در خود قرآن دارد. با این تعابیر و هزاران حدیث و روایت و نقل و قصه قطعاً جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند و به‌خصوص در بعد معنوی و باطنی امیرالمؤمنین در بین مسلمان‌ها تقریباً هیچ اختلافی نیست.

ناصبیان و آدم‌های کوردلی بودند که چشم را بر این‌همه حقیقت پوشاندند و این آفتاب روشن را انکار کردند اما این‌ها خیلی اندک هستند، علی‌القاعده عموم مسلمان‌ها به این مقامات و مدارج ممتاز و استثنایی و بی‌نظیر امام علی (ع) در عرصه ولایت باطنی یقین داشتند، در بعد ظاهری اختلافات بیشتر است اما حقیقتاً اگر کسی در دنیا به امکان استدلال بر چیزی معتقد باشد و راهی برای اثبات یک مطلبی در دنیا وجود داشته باشد اولین چیز ولایت و خلافت امیرالمؤمنین است.

دو تعبیر است که در کتاب‌های اهل سنّت آمده است: یکی تعبیر «**عَلِی مَعَ الْقُرْآنِ، وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِی[[6]](#footnote-6)»** و دیگری تعبیر **«عَلِی مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِی[[7]](#footnote-7)»** این تلازم بی‌انتها و تفکیک‌ناپذیر قرآن با علی است. وقتی که هفتاد آیه، سیصد آیه، ربع قرآن، نصف قرآن به نحوی در درجات مختلف با علی ارتباط دارد این تضمین خدا بر اصالت راه علی و حقانیت او اس

## تکالیف اصولی مسلمانان در برابر امام علی (ع)

یکی از تکالیف مسلمانان داشتن محبت و مودّت به امام علی (ع) و معرفت نسبت به مقام ایشان است که موجب محبت می‌شود، این معرفت و محبت تقریباً در عموم جامعه اسلامی و مسلمانان است و یکی هم اطاعت و پیروی از خطّ امامت و ولایتی که امام علی (ع) آن را بنیان نهاد و کمال ایمان و اعمال انسان به این است که این دو وظیفه را در قبال علی ابن ابیطالب جامعه عمل بپوشاند.

روایات متعدّدی وجود دارد که شرط ایمان و اعمال مسلمانان را ولایت امام علی (ع) قرار داده است. در روایتی پیامبر خدا چنین فرمودند: «اگر کسی عمر نوح داشته باشد و در عمری به‌اندازه عمر نوح به عبادت بپردازد و جواهر و طلایی به‌اندازه کوه احد داشته باشد و آن را درراه خدا انفاق بکند و هزار بار پیاده به حج برود، **ثُمَّ لَمْ یوَالِک یا عَلِی لَمْ یشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ[[8]](#footnote-8)**، ولی علی را دوست نداشته باشد بوی بهشت را نمی‌شنود.

این محبت علی است، علی به این محبت نیاز ندارد، این محبت یک حقیقتی است که جان انسان را هماهنگ با بهشت می‌کند، این‌یک واقعیتی است که بامحبت و دوستی علی گوهر وجود انسان شکل بهشتی پیدا می‌کند.

## ذکر مصیبت امام علی (ع)

عایشه نقل می‌کند که چندین بار دیدم که پیامبر علی را در آغوش گرفته است و تکرار می‌کند: «**بأبی الوحید الشّهید[[9]](#footnote-9)**، پدرم به قربان علی تنها و مظلوم و شهید»، بارها در روایات نقل‌شده است که پیامبر (ص) درباره شهادت علی و مظلومیت او گریه کرد. گریه امروز مسلمانان هماهنگ با گریه پیامبر اسلام (ص) است.

به‌هرحال چند روایت وجود دارد که از امّ کلثوم در شب نوزدهم نقل شده است. امّ کلثوم اوصاف و احوال مولا را در آخرین شب سلامتی‌شان برمی‌شمارد. می‌گوید پدرم احوال متغیری داشت، حال علی در آستانه لقاء خدا و شهادت باحال او در ایام دیگر متفاوت بود، علی همیشه شب‌زنده‌دار بود اما شب نوزدهم فرق دارد، خودش را در آْستانه لقاء خدا می‌بیند، نگاهی به عمر پربرکت خودش می‌کند، نگاهی به مظلومیت سی‌ساله خودش می‌کند، ام‌کلثوم می‌گوید آن شب علی را می‌دیدم که «**لم یزل تلک لیلة قائماً و قاعداً راکعاً و ساجداً ینظر إلی السّماء، ینظر فی الکواکب**» همیشه در طول شب می‌دیدم که حضرت یکی دو بار استراحت کرده است اما عمده شب نوزدهم را بیدار بود، در طول شب به رکوع و سجود می‌پرداخت، گاهی از اتاق بیرون می‌آمد و نگاهی به آسمان و ستارگان می‌کرد، با خدا راز و نیاز می‌کرد.

ام‌کلثوم می‌گوید یک‌جمله‌ای از حضرت شنیدم که می‌فرمود: خدایا مرگ را بر من مبارک کن، دیدم استغفار می‌کند. این حال عجیب امام علی (ع) دل ام‌کلثوم را به درد آورد. خدمت پدر آمد و فرمود: «پدر این چه حالی است که تو امشب داری؟» حضرت فرمود: «من وعده رسول خدا را نزدیک می‌بینم، آماده لقاء خودم هستم، دخترم آرام باش، شب آخر پدر فرارسیده است.» بعد راوی می‌گوید: آمد و وارد مسجد شد، یک‌وقتی هم در حال نماز صدا می‌زند: «**بسم‌الله و بالله و علی ملّة رسول الله هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ[[10]](#footnote-10)»** همین‌که شمشیر فرق نورانی امام علی (ع) را شکافت صدای او به نام خدا بلند شد و بعد فرمود: **«فزت و ربّ الکعبة»** می‌گویند نزدیک که آمدیم دیدیم در خون خود غرق است و در حال استغفار و راز و نیاز باخدا است، اما شاید در طول این دو روز هنوز کسانی امید داشتند که علی بهبود پیدا بکند، چه وقت امید کوفه و یتیمان و خاندان وحی قطع شد؟ شب بیست و یکم که روح بلند و عظیم امام علی ابن ابی‌طالب به سمت خدا پرواز کرد.

**لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلا بِالله اَلعَلِیِّ العَظیمِ و سَیعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَی مُنْقَلَبٍ ینْقَلِبُونَ[[11]](#footnote-11)**

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ.[[12]](#footnote-12)**

## خطبه دوم

**أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم** **نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ[[13]](#footnote-13)و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد (ص) و نصلّی و نسلّم علی** **امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب و علی الصّدیقة الطاهرة فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) ساسَةَ الْعِبادِ وَ اَرْکانَ الْبِلادِ وَ اَبْوابَ الاْیمانِ وَ اُمَناَّءَ الرَّحْمنِ وَ سُلالَةَ النَّبِیّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ وَ** **عِتْرَةَ خِیَرَةِ ربّ العالمین[[14]](#footnote-14) صلوات الله علیهم أجمعین** **أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرحمن الرحیم** **یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ[[15]](#footnote-15) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه.**

## سوگواری علی (ع) اساس سوگواری اهل بیت

سوگواری علی ابن ابیطالب به یک معنا اساس سوگواری‌های اهل‌بیت است برای اینکه مظلومیت خاندان رسالت و امامت و ولایت از غصب حقّ علی و مظلومیت بی‌انتهای امام علی (ع) شروع شد و از این روز که سوگواری آن حضرت شروع می‌شود باید تلاش کرد که شعائر مربوط به ایشان را در جامعه تقویت کرد.

## توصیه‌ای پیرامون دهه آخر ماه رمضان

ایام دهه آخر ماه رمضان با سایر ایّام فرق دارد و بنا بر قول قوی شب قدر هم در دهه آخر قرار دارد، دو دهه از این ماه پشت سر گذاشته شد، هر کس به فراخور همت و معرفت خود تلاش کرد که قدمی در جهت قرب به این ماه و اهداف این ماه بردارد اما یک فرصت استثنائی و کم‌نظیر دیگر باقی‌مانده است و آن دهه آخر ماه مبارک و شب بیست و سوم است.

متأسفانه مرسوم است که از شب‌های قدر و شب شهادت امیرالمؤمنین که می‌گذرد مساجد خلوت‌تر می‌شود، اقبال افراد به عبادت و قرآن و دعا و امثال این‌ها کاهش پیدا می‌کند، این خلاف سنّت است، سنّت این است که انسان هر چه به دهه آخر نزدیک‌تر می‌شود بر همت و اهتمام خود بیافزاید.

دهه آخر این ماه و شب‌های آن فی حدّ نفسه دارای فضیلت است بنابراین باید با همان عشق و علاقه‌ای که در اوایل ماه در افراد وجود دارد در دهه آخر هم استقبال شود و ازاین‌جهت توصیه می‌شود که سنّت به پا داشتن شعائر در ماه مبارک رمضان و استفاده از فیض کم‌نظیر آن و به‌خصوص دهه آخر آن چیزی کم نشود. پیش رفتن در این قلمرو توفیقی می‌خواهد که باید آن توفیق را از خدا خواست.

## حفظ و تقویت پایه‌های ایمانی جوانان

در ماه مبارک رمضان انسان علاوه بر وظایفی که به رابطه بین او و خدا برمی‌گردد وظایفی در ارتباط با جامعه و دیگران دارد، آن وظایف را نباید کم شمرد و باید برنامه‌ای بریزد که هم در طول ماه به آن عمل بکند و هم در طول سال ادامه پیدا بکند. اینکه در ماه مبارک مساجد آباد هستند و نسل جوان حضور فعال دارند امر بسیار ارزشمندی است اما بعد از اتمام ماه مبارک رمضان نباید ناگهان افت پیدا بکند.

امروز جوان در معرض انواع خطرها قرار دارد و هزاران خطر و موج و آسیب نسل جوان امروز را تهدید می‌کند و اینکه جوانان این‌قدر خوب در عرصه معنویت حاضر می‌شوند بسیار باارزش است و هر انسان علاقه‌مندی احساس مسرّت می‌کند، همان جوانی که احیاناً خطا و اشتباهی هم دارد اما جاذبه امام علی (ع) و مهر رمضان او را به مسجد و به سمت دعا و قرآن و احیاء کشانده است، معلوم می‌شود که هنوز در وجود نسل امروز جاذبه‌های قوی معنوی و ایمانی وجود دارد و این باید حفظ و تقویت شود.

امام جماعت، پدران، مادران و معلمان و مربیان همه وظیفه‌دارند که از این نقطه قوت بهره‌برداری کنند و بیش از همه خود جوان‌ها هستند که باید خودشان و دوستانشان را وارد همین فضای معنوی بسازند و تلاش شود که این فضا در بعد از ماه مبارک هم ادامه پیدا کند.

درست است که هواهای نفس انسان را به سرکشی و طغیان فرامی‌خواند اما معنویت و معرفت یک جاذبه عمیقی دارد که اگر بیاید افراد را به خودش جذب می‌کند و در پرتوی این پایه‌های ایمانی است که می‌شود به امور دیگر هم پرداخت. اگر احیاناً خطر یا آسیبی در جامعه افراد را آزار می‌دهد ضمن اینکه در حدّ قانونی خودش مقابله و کنترل و مهار لازم است اما درعین‌حال باید به همین رمضان و برنامه‌های عبادی و اخلاقی توجه کرد چراکه پایه کار همین است.

## احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر

وظیفه مسئولین و جامعه این است که امربه‌معروف را به پا بدارند و با برنامه‌ریزی درست جامعه را از خطرها حفظ بکنند و نگذارند که مرزهای الهی زیر پا گذاشته بشود، احیاء امربه‌معروف و نهی از منکر و تلاش برای پیشگیری از جرائم یک وظیفه همگانی است، این پیشگیری باید در خانه، در مدرسه و در دانشگاه برنامه‌ریزی شود که در این صورت آثار خوب آن در جامعه ظاهر می‌شود.

## توجه به نیازمندان و به‌خصوص یتیمان

حدود نود خانوار و یتیم در شهرستان تحت پوشش کمیته امداد است. فضیلت‌های زیادی در توجه به ایتام در روایات آمده است که باید به آن توجه شود. قدم اول این است که نهادها و مسئولان طوری برنامه‌ریزی بکنند که یتیمان اصلاً مبتلابه فقر نشوند، قدم دوم این است که خویشان و نزدیکان و اهل محل تلاش بکنند با حفظ آبروی افراد نیازمند و یتیم به آن‌ها کمک بکنند، قدم سوم هم این است که مواردی که الآن تحت پوشش کمیته هستند موردتوجه قرار بگیرند.

طرح اکرامی است که چند سال اجرا می‌شود و عده‌ای از افراد اهل خیر بی‌نام‌ونشان یتیم‌ها را زیرپوشش گرفته‌اند بدون اینکه حتی اسم آن‌ها را بدانند، به شکل خیلی آبرومندانه به آن‌ها توجه می‌شود و هنوز هم جمعی از ایتام هستند که تحت پوشش هستند اما طرح اکرام شامل آن‌ها نشده است.

توصیه می‌شود که هرکسی با توجه به توانش به یتیمان توجه کند، اول وظیفه دولت و بعد وظیفه همه جامعه است. دولت و ملّت وظیفه‌دارند که آن حداقل را تأمین بکنند که متأسفانه الآن نیازمندان و یتیمانی هستند که حداقلشان تأمین نیست یا اصلاً توجهی به آن‌ها نمی‌شود یا مبالغ در حدّ و اندازه رفع نیازهایشان نیست.

## گسترش فرهنگ سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری و توسعه تولید پایه‌های رفاه جامعه هستند، دولت باید کنترل بکند برای اینکه عدالت برقرار بشود اما انگیزه جامعه باید این باشد که پول را قبل از اینکه خرج شود به سمت کشاورزی و صنعت و خدمات مفید برای جامعه هدایت بکند. فرهنگ جامعه باید این باشد که پول را صرف سرمایه‌گذاری و توسعه کشور بکند، برای اینکه زندگی خودش و زندگی جامعه خوب بشود، این مورد ترغیب اسلام است. اسلام در مورد مصرف می‌گوید که اسراف نکن اما در بحث سرمایه‌گذاری انسان را ترغیب می‌کند، نباید سرمایه‌گذاری در دست عده معدودی باشد که انباشت ثروت را به دنبال بیاورد، فرهنگ سرمایه‌گذاری را باید در جامعه پیاده کرد.

1. . سوره مبارکه الحشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-1)
2. بحارالانوار، ج 27، ص 128 [↑](#footnote-ref-2)
3. 1. مطالب السؤول محمد بن طلحه، ص 26؛ مناقب خوارزمی، ص 90، ح 80؛ ینابیع المودة، ج 1، ص 213 و ج 3، ص 211. [↑](#footnote-ref-3)
4. . حدیث منزلت به نقل از ابن عباس. [↑](#footnote-ref-4)
5. حدیث غدیر.. [↑](#footnote-ref-5)
6. همان.. [↑](#footnote-ref-6)
7. .3 الأمالی (للصدوق)، ص 89؛ الجمل، ص 81؛ الأمالی (للطوسی)، ص 548؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص 20؛ سنن الترمذی، ج 5، ص 633؛ الإمامه و السیاسه، ج 1، ص 98؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 135؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 42، ص 448؛ المناقب، ص 104. [↑](#footnote-ref-7)
8. . مناقب خوارزمی صفحهٔ 28. [↑](#footnote-ref-8)
9. 1. هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 138، ابن عساکر در شرح حال امام علی علیه السلام از تاریخ دمشق، ج 3، ص 285، حدیث 1376 [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره مبارکه الأحزاب، آیه 22. [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره مبارکه الشعراء، آیه 277. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره مبارکه الکوثر. [↑](#footnote-ref-12)
13. . نهج البلاغه، خطبه 98. [↑](#footnote-ref-13)
14. زیارت جامعه کبیره.. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره مبارکه آل عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-15)